



A Comparative Study of Economic Systems of Capitalism, Socialism and Islam from the Perspective of Shahid Motahari

Ahmad Chehrehgani ^{a*}

^aAssistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Iran.

KEYWORDS

Islam
Socialism
Capitalism
Economics
Wealth
Ownership
Inheritance

Received: 24 March 2024

Accepted: 25 May 2024

ABSTRACT

The purpose of this qualitative and documentary research paper is to compare the economic systems of capitalism, socialism and Islam from the point of view of Shahid Motahari. To this end, according to the thoughts of Shahid Motahari, which are available in written form, the components or characteristics of each of these three economic systems, which are explicitly mentioned in his writings, were chosen. They comprise (1) ownership, (2) inheritance, (3) the difference of people in wealth and ownership, (4) Riba, and (5) the formation of cartel and trust. We first examined the position of each component in each of the three separate economic systems and finally compared them in the three economic systems. The results show that the economic system of Islam relies on Islamic ayahs and traditions, while confirming the advantages of capitalism and socialism and rejecting their weaknesses. Based on this, the economic system of Islam provides a better framework for human development both in this world and in the hereafter than the two other systems mentioned.

* Corresponding author.

E-mail address: a-chehrehgani@araku.ac.ir

Received:

Article type: Research Paper

© Author





بررسی تطبیقی نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام از دیدگاه شهید مطهری

احمد چهرقانی الف*

الف استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، ایران،

a-chehreghani@araku.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی تطبیقی نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام از دیدگاه شهید مطهری است. روش تحقیق از نوع کیفی و اسنادی است. از این رو با توجه به اندیشه‌های استاد مطهری که به صورت مکتوب موجود است، مؤلفه‌ها یا ویژگی‌های هر کدام از این سه نظام اقتصادی، که صریحاً در تألیفات ایشان بدان اشاره شده است، شامل: (۱) مالکیت، (۲) ارث، (۳) اختلاف افراد در ثروت و مالکیت، (۴) ربا و (۵) تشکیل کارتل و تراست، را انتخاب کرده، ابتدا جایگاه هر مؤلفه را در هر یک از سه نظام اقتصادی جداگانه بررسی می‌کنیم و در نهایت به مقایسه آنها در سه نظام اقتصادی می‌پردازیم. نتایج گویای آن است که نظام اقتصادی اسلام با تکیه بر آیات و روایات اسلامی، ضمن تأیید مزایای نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم، موارد ضعف آنها را رد می‌کند. بر این اساس، نظام اقتصادی اسلام نسبت به دو نظام مذکور چارچوب بهتری برای پیشرفت دنیوی و اخروی بشر ارائه می‌کند.</p>	<p>اسلام سوسیالیسم سرمایه‌داری اقتصاد ثروت مالکیت ارث</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵</p>

۱- مقدمه

مباحث اقتصادی به شکل عام آن، پیشینه‌ای طولانی دارد که در کتاب‌های عقاید اقتصادی به طور گسترده بیان شده است. مباحث اقتصادی، بین دانشمندان و متفکران اسلامی، به صورت پراکنده و نیز به صورت موضوعی و بیشتر با صبغه فقهی به چشم می‌خورد؛ اما اقتصاد اسلامی به گونه کلاسیک آن سابقه دیرینی ندارد. نخستین کسی که بحث اقتصاد را به صورت جدی در عرصه علوم اسلامی مطرح کرد، شهید صدر بود که با کتاب *ارزشمند/اقتصادنا*، تحولی در این زمینه پدید آورد و حتی بین دانشمندان اهل سنت نیز جای خود را باز کرد. در ایران متفکرانی چون شهید مطهری به مناسبت، مطالبی را در بحث اقتصاد طرح کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های شهید مطهری این بود که به مسائل اجتماعی حساسیت خاصی داشت. هر گاه با پدیده‌ای مواجه می‌شد که ذهن متفکران را به خود مشغول کرده بود، با تلاش و پی‌گیری خاص خود، به تحقیق درباره آن می‌پرداخت. در بحث اقتصاد، ایشان چند کتاب مستقل نگاشته و در سایر تألیفات خود نیز به مناسبت بدان پرداخته‌اند. در این مقاله، با استفاده از آثار استاد، سعی بر تبیین اندیشه اقتصادی آن بزرگوار درباره نظام اقتصادی اسلام و مقایسه آن با نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌شود. بنابراین با استناد به اندیشه‌های مکتوب شهید مطهری، ابتدا به تشریح هر نظام اقتصادی و ویژگی‌های آن می‌پردازیم تا چارچوبی کلی از هر نظام حاصل شود. سپس پنج مورد از مهم‌ترین مؤلفه‌های هر نظام (یعنی مالکیت، ارث، اختلاف افراد در ثروت و مالکیت، ربا و تشکیل کارتل و تراست) را بررسی می‌کنیم. در نهایت، وضعیت مؤلفه‌های مذکور در این نظام‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم. نکته قابل توجه در این مطالعه این است: در وضعی که نگرش اکثر فقیهان به اقتصاد، از زاویه خرد و حل مسائل فردی بوده، شهید مطهری معتقد به نظام‌مند بودن اسلام در همه عرصه‌ها، از جمله اقتصاد، بوده است.

۱- پیشینه تحقیق

درباره اندیشه‌های اقتصادی شهید مطهری مطالعات مختلفی صورت گرفته است که به برخی از مهم‌ترین مقالات در این زمینه در ادامه اشاره می‌شود. با این وجود بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در زمینه مقایسه نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام از دیدگاه شهید مطهری، تحقیق و مقاله‌ای انجام نشده است و از این نظر مقاله حاضر کاری جدید در این زمینه است.

جعفری‌نژاد^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه خود با عنوان «آشتی دادن دین و مدرنیته در دیدگاه‌های مطهری و فضل‌الرحمن» به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های آیت‌الله مطهری در بازنمایی رویکرد سنت‌گرایی تجدید نظر طلب و اندیشه‌های فضل‌الرحمن که رویکرد روشنفکری دینی را اتخاذ می‌کند، با هدف بررسی سازگاری سنت و مدرنیته پرداخت.

میرزامحمدی^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود به بررسی نحوه شکل‌گیری تفکرات مذهبی اسلامی از جمله اعتقاد به خداوند در اندیشه جوانان از دیدگاه شهید مطهری پرداختند. آنان با مرور تربیت اخلاقی در جهان و ایران با رویکرد اسلامی، بر اندیشه‌های شهید مطهری برای هدایت جوانان تاکید نمودند.

^۱ Jafarinejad

^۲ Mirzamohamadi

شمسایی^۳ (۲۰۱۲) به بررسی اندیشه‌های دو تن از روشنفکران ایرانی آیت الله مرتضی مطهری و دکتر عبدالکریم سروش در حوزه مناظره مردم سالاری اسلامی پرداخت. وی دیدگاه‌های آیت‌الله مطهری به نمایندگی از اصلاح طلبان و دکتر سروش وابسته به تجددخواهان در مورد دموکراسی را بررسی نمود و تلاش کرد به پرسش انتقادی سازگاری اسلام با دموکراسی پاسخ دهد و نسبت اسلام و عمل دموکراتیک را بیان نماید.

فسائی و درّی (۱۴۰۳) در مقاله خود به ردیابی شعر و اندیشه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در آثار شهید مطهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های معاصر پرداختند و نشان دادند که شهید مطهری با استعمال برخی از حکایت‌های مثنوی و کاربست ساختار شعری مثنوی، به تقویت و تصدیق برخی از دیدگاه‌ها و از طرفی تضعیف پاره‌ای از گفتمان‌های رقیب نایل شده است.

کرم‌اللهی و مطهری فر (۱۴۰۲) به بررسی تطبیقی و انتقادی اندیشهٔ ماکس وبر درباره عوامل پیدایش و عدم پیدایش سرمایه‌داری در مسیحیت و اسلام، از منظر شهید مطهری پرداختند و نشان دادند که حقوق اسلامی بر پایه حسن ظن به خالق و مخلوق در جهان، او را به سمت شکوفایی اقتصادی می‌کشاند.

جاودان و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود به استخراج، تبیین و تحلیل فرهنگ منفعت‌طلبی فردی از دیدگاه اسلامی به عنوان راه‌حلی برای مقابله با شکست دولت در اقتصاد، با تکیه بر نگرش شهید محمدباقر صدر و شهید مطهری پرداختند و نشان دادند که دیدگاه شهید مطهری به رابطه دین با منافع فردی و اجتماعی، حداقلی است ولی دیدگاه شهید صدر حداکثری است. بدین معنی که دین اسلام، منفعت فردی را با استفاده از چارپوب امر و نهی دینی و تعریف شاخص‌هایی برای گزینش اخلاقی مبتنی بر دین، منفعت اجتماعی را نیز در دایره منفعت فردی قرار می‌دهد که از این طریق می‌توان با شکست دولت مقابله نمود.

خادم‌علیزاده و بهشتی (۱۳۹۹) با اتخاذ روش اقتصاد آزمایشگاهی، تلاش نمودند تا با استفاده از آزمون تجربی تئوری‌های اقتصاد اسلامی مبتنی بر دیدگاه استاد مطهری، رفتار اقتصادی مسلمانان را مطالعه نمایند. آنها نشان دادند که هر دو روش مذکور در ذیل معرفت‌شناسی استاد مطهری، معتبر و قابل دفاع است و از روش اقتصاد آزمایشگاهی می‌توان در اقتصاد اسلامی بهره گرفت.

داری (۱۳۹۸) به بررسی نقش دو عنصر زمان و مکان در استنباط احکام اسلامی از دیدگاه شهید صدر و شهید مطهری پرداخت و بیان کرد که دین اسلام با اهمیت دادن به این دو عنصر در کنار برخی اصول دیگر، احکام خود را طوری تنظیم کرده است که با اوضاع و احوال دوره‌های مختلف همخوانی داشته باشد و بتواند نیازها و مسائل هر زمانی را با در نظر گرفتن مقتضیات آن زمان، پاسخ بدهد و نیاز بشر را برآورده نماید.

مومنی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی مسئله توسعه در چارچوب مکتب اقتصاد اسلامی با تمرکز بر دیدگاه شهید مطهری و شهید صدر با استفاده از رهیافت نشانه‌شناختی پرداختند و پیوندهای بین نشانه‌شناسی و رهیافت اقتصاد اسلامی به توسعه را نشان دادند.

کاشیان و احمدزاده (۱۳۹۸) به بررسی خاستگاه، اهمیت و بررسی ریشه خلأ نظریه‌پردازی در میان پیشگامان اقتصاد اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های شهید صدر و شهید مطهری به عنوان پیشگامان اقتصاد اسلامی در عصر حاضر، پرداختند. آنان با تمرکز بر نظریه زیربنا-روبنای درصدد پاسخ به این سوال بودند که چرا با وجود ورود متفکران مسلمان به مرزهای نظریه زیربنا-

³ Shamsaie

روبنا و اهمیت آن، نظریه ایجابی در این باره داده نشده است.

جلیلی مرند و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی موضوع عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری و شهید صدر با تأکید بر چیستی عدالت پرداختند. آنان بیان کردند که عدالت از نظر هایک عدالت فردی است که مبتنی بر نظم خودجوش بازار است. عدالت از نظر رالز، توافق آزاد افراد در وضع نخستین است، که در آن اصل بیشترین حداقل و ناآگاهی افراد از موقعیت اجتماعی آینده در نظر گرفته شده است. شهید مطهری عدالت را رعایت حقوق می‌داند و هم حقوق طبیعی فرد و هم حقوق اجتماعی او را به رسمیت می‌شناسد. شهید صدر عدالت را یکی از اصول سه‌گانه اقتصاد اسلامی می‌داند که جایگاه عدالت فراتر از یک اصل بوده سنگ زیربنای مکتب اقتصادی است.

کلاته ساداتی (۱۳۹۳) بر اساس آرای شهید مطهری و شهید صدر به ارزیابی نسبت علم و مکتب در اقتصاد اسلامی پرداختند و نشان دادند که از دیدگاه شهید مطهری بین روابط اعتباری با روابط طبیعی در اقتصاد تمایز وجود دارد، به این شکل که روابط طبیعی درباره قوانین عام اقتصاد است که محدود به مکتب خاصی نیست، در حالی که روابط اعتباری یا قراردادی مرتبط با قوانین یک مکتب یا فلسفه خاص است. شهید صدر بین مکتب و علم در اقتصاد تمایز قائل می‌شود، به این شکل که مکتب را زیربنا و علم را روبنا می‌داند و با طرح الگوی منطقه الفراق دست دولت اسلامی در وضع قوانین را باز می‌گذارد.

نمازی و لشکری (۱۳۹۱) با هدف تبیین رویکرد اسلام به مسئله توازن، به بررسی فرضیه سازگاری دیدگاه شهید صدر و شهید مطهری به روش کتابخانه‌ای پرداختند و دریافتند که در رویکرد شهید صدر، توازن مبتنی بر کاهش نابرابری‌های شدید و کسب درآمد متناسب با معیشت آبرومندان است؛ و نظریه توازن شهید مطهری متکی بر آرای ایشان در زمینه حقوق فطری و طبیعی است؛ بین نظریه این دو بزرگوار ناسازگاری‌ای وجود ندارد.

قلیچ (۱۳۸۹) با بررسی جایگاه عدالت در اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز، به استخراج معیارهای عدالت توزیعی از نگاه این دو اندیشمند پرداخت و با مقایسه تطبیقی اندیشه‌های آنان به این نتیجه رسید که تشابهات و تفاوت‌هایی بین این دو اندیشمند وجود دارد؛ فرادینی بودن عدالت، توزیع مساوی امکانات اولیه، توزیع به میزان استحقاق افراد و توجه به طبقه ضعیف جامعه از موارد مشابه در دیدگاه شهید مطهری و جان رالز بوده است و مواردی مانند منشأ مشروعیت عدالت، نقش بازتوزیع اقتصادی و مفهوم آزادی‌ها، از تمایزات در دیدگاه این دو متفکر معاصر است.

پیغامی (۱۳۸۷) در تحقیق خود، به تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه شهید مطهری بر اساس نظرات کلامی و فلسفی ایشان پرداخت و نشان داد که رئالیسم در مسئله عدالت جایگاه در مباحث ناب اسلامی دارد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در مقاله حاضر، روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. در این نوع تحقیقات از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می‌شود. به این ترتیب، منابع مکتوبی که توسط شهید مطهری نوشته شده و درباره نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام حاوی اطلاعاتی هستند، از قبیل کتاب‌ها، مقالات، نامه‌ها، سخنرانی‌ها و غیره را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و ضمن استخراج ویژگی‌های نظام‌های اقتصادی فوق، به بررسی تطبیقی آنها پرداخته می‌شود.

۳- تجزیه و تحلیل

در این بخش از مقاله، به تعریف نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام و بیان ویژگی‌ها و مقایسه آنها، بر اساس اندیشه‌های شهید مطهری پرداخته می‌شود.

۳-۱- سرمایه‌داری

شهید مطهری در توصیف سرمایه‌داری می‌گوید:

سرمایه‌داری در دنیای امروز یک پدیده نو و بی‌سابقه‌ای است که دو سه قرن از عمر آن بیشتر نمی‌گذرد، و یک پدیده اقتصادی و اجتماعی نوی است که محصول پیشرفت و ترقی تکنیک جدید است؛ از این‌رو مستقلاً به عنوان یک مسئله مستحدث باید از آن بحث شود. مشخص اصلی سرمایه‌داری جدید (کاپیتالیسم) از سرمایه‌داری قدیم- و به طریق اولی از سوسیالیسم- این است که سرمایه‌دار نیروی کار کارگر را برای فروش می‌خرد نه برای آنکه شخصاً به آن احتیاج دارد؛ با این نیروی کار، اضافه ارزش ایجاد می‌کند. اضافه ارزش که مولود نیروی کار کارگر است و طبعاً متعلق به خود او است همان سودی است که کارفرما می‌برد. این است که می‌گویند سرمایه‌داری جدید عین استثمار کارگر است (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، ص ۴۸۰).

علی‌هذا مشخصات سرمایه‌داری مجموعاً به قرار زیر است:

الف. مالکیت فردی؛

ب. مالکیت موروثی؛

ج. طبیعی بودن - نه ظالمانه بودن - اختلاف افراد در ثروت و مالکیت؛

د. مالک شدن ثروت به وسیله ابزار تولید، به عبارت دیگر منفعت از طریق سرمایه؛

ه. مالک شدن ثروت به وسیله استخدام نیروی طبقه کارگر و اجرت دادن به آنها و برقرار شدن نظام کارگر و کارفرما؛

و. مالکیت به وسیله ربا، به اینکه سرمایه‌داری به سرمایه‌دار دیگری قرض ربوی بدهد و دومی به وسیله نظام کارگر و کارفرما تولید کند و سود سرمایه‌دار را بدهد و اجرت کارگر را، و مابقی از خود او باشد (ربای انتاجی)؛

ز. مشروع بودن تشکیل «تراست» و تشکیل «کارتل» و در نتیجه استثمار تولیدکننده و مصرف‌کننده؛

ح. لازمه رژیم سرمایه‌داری این است که امور اقتصادی جامعه در دست در اختیار افراد معینی قرار بگیرد، نه تنها افرادی ثروت داشته باشند و افرادی نداشته باشند، بلکه افرادی قادر باشند اقتصاد اجتماع را به هر شکلی که بخواهند درآورند، یعنی دیکتاتوری اقتصادی باشد، هرچه بخواهند از وسایل تجملی و مخرب و غیره اگر نفع خودشان باشد یا خیال کنند به نفع اجتماع است تولید کنند ولی عامه مردم محکوم آنها باشند؛ سرنوشت اقتصادی اجتماعشان در اختیارشان باشد. اینکه همه افراد جامعه حق دارند که سرنوشت اقتصادی اجتماع خود را در دست بگیرند، همان‌طوری که حق دارند سرنوشت سیاسی اجتماع خود را در دست بگیرند مطلب جداگانه‌ای است از استثمار افراد و از اینکه تولیدات باید به نفع جامعه باشد نه به سود افراد؛

ط. رژیم سرمایه‌داری مالکیت وسایل تولید، چه طبیعت و چه سرمایه را جایز می‌شمارد؛

ی. جایز شمردن رباخواری؛

یا. هدف تولید، منافع افراد است نه مصالح عموم؛

یب. در سرمایه‌داری منعی برای قطع رابطه ثروت و کار نیست. به عبارت دیگر، سود کارنکرده را چه به صورت ارث و چه به صورت ارزش اضافی و درآمد مدیریت کارخانه تجویز می‌کند؛

یج. عملاً تعیین نرخ کارگر به دست کارفرماست؛

ید. لازمه سرمایه‌داری این است که گروهی به قیمت بدبختی گروه دیگر خوشی داشته باشند؛

یه. در رژیم سرمایه‌داری عملاً بردگی و غلامی در کار است، زیرا به قول فیلیسین شاله: «منحصر شدن دارایی‌ها به اشخاص معدودی در به کار واداشتن کارگران آزاد همان تأثیر را داشته است که شلاق در غلام. رنجبر که چیزی ندارد مجبور است فوراً مشغول کار شود والا از گرسنگی خواهد مرد»؛

یو. تسلط بر سیاست و حاکمیت ملی؛

یز. جنگ‌افروزی به خاطر استفاده؛

یج. رقابت و مسابقه برای پر کردن جیب خود (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۲-۵۶۳).

در ادامه مؤلفه‌های عمده نظام سرمایه‌داری از دیدگاه شهید مطهری را بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱- مالکیت

در خصوص مؤلفه مالکیت در نظام سرمایه‌داری، استاد مطهری موارد زیر را برمی‌شمرند:

۱. مالکیت فردی؛

۲. مالکیت موروثی؛

۳. طبیعی بودن - نه ظالمانه بودن - اختلاف افراد در ثروت و مالکیت؛

۴. مالک شدن ثروت به وسیله ابزار تولید؛ به عبارت دیگر، منفعت از طریق سرمایه؛

۵. مالک شدن ثروت به وسیله استخدام نیروی طبقه کارگر و اجرت دادن به آنها و برقرار شدن نظام کارگر و کارفرما؛

۶. مالکیت به وسیله ربا، به اینکه سرمایه‌داری به سرمایه‌دار دیگری قرض ربوی بدهد و دومی به وسیله نظام کارگر و کارفرما تولید کند و سود سرمایه‌دار را بدهد و اجرت کارگر را، و مابقی از خود او باشد (ربای انتاجی)؛

۷. رژیم سرمایه‌داری مالکیت وسایل تولید، چه طبیعت و چه سرمایه را جایز می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۲-۵۶۳).

۳-۱-۲- ارث

نظام سرمایه‌داری موافق ارث است. سه دلیل برای مشروع بودن ارث ذکر کرده‌اند:

الف. حق ارث‌گذارند نتیجه منطقی حق مالکیت است. انسان مختار است آنچه را که مالک است از بین ببرد یا ببخشد؛ بنابراین می‌تواند دستور دهد که بعد از مرگ او آن را به دیگران ببخشند، یعنی می‌تواند آن را به ارث بگذارد. با از بین رفتن کسی که شیء را تولید کرده است شیء از بین نمی‌رود. بنابراین آن کس می‌تواند اشخاصی را که باید بعد از مرگ او شیء را صاحب شوند، تعیین کند.

ب. ارث از نقطه نظر اخلاقی، مشروع بلکه ممدوح است، زیرا سبب تقویت رابطه خانوادگی می‌شود. فی‌الحقیقه امید اینکه بتوانند برای اطفال خود آسایش و رفاهیت بیشتری فراهم نمایند، سبب تحریک فعالیت پدر و مادر و تشویق آنها به زحمت کشیدن می‌گردد.

ج. از نقطه نظر اجتماعی ارث مفید بلکه لازم است. اگر ارث مرسوم نبود آدمیان همین که به سن معینی می‌رسیدند دیگر کار نمی‌کردند، آنچه را که قبلاً تولید نموده بودند به مصرف می‌رسانیدند. جامعه را می‌توان به شخصی تشبیه کرد که احتیاج به محصول فراوان دارد و از تمام ترقیات و تمام عواملی که تشویق به کار کردن می‌نماید منتفع می‌شود؛ این شخص (اجتماع) است که از تمام میراث‌های فردی استفاده می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، صص ۵۱۶-۵۱۷).

۳-۱-۳- اختلاف افراد در ثروت و مالکیت

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در ارتباط با ویژگی نظام‌های اقتصادی و مقایسه آنها باید بدان اشاره کرد، اختلاف افراد در ثروت و مالکیت است؛ یعنی اینکه وجود اختلاف در ثروت افراد در یک جامعه از نظر نظام اقتصادی آن جامعه مورد قبول است یا نه. استاد مطهری در بیان ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری گفته‌اند: «از نظر سرمایه‌داری می‌تواند این اختلاف خیلی فاحش باشد».

۳-۱-۴- ربا

شهید مطهری یکی از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری را «جایز شمردن رباخواری» می‌داند. بنابراین در این نظام رباخواری هنجار است و مخالفتی با آن صورت نمی‌گیرد.

۳-۱-۵- تشکیل کارتل و تراست

طبق بیان استاد مطهری، یکی از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری، «مشروع بودن تشکیل تراست و تشکیل کارتل و در نتیجه استثمار تولیدکننده و مصرف‌کننده» است. بنابراین برای دستیابی به سود بیشتر می‌توان از این تشکیلات بهره گرفت و هیچ‌گونه نكوهش یا منع قانونی در این باره وجود ندارد.

۳-۲- سوسیالیسم

تلقى ایشان از نظام سوسیالیسم چنین است:

در باب سوسیالیسم برخی به این قناعت کرده‌اند که سوسیالیسم یعنی آزادی و احترام به شخصیت انسان. مقصودشان این است که اگر انسان از آن جهت که انسان است - یعنی بدون توجه به وضع طبقاتی یا نژادی یا اعتقادی و مذهبی بتواند آزاد زندگی کند و شخصیتش محترم باشد، این خودش نوعی سوسیالیسم است. ولی شاید سوسیالیسم به این معنا با خیلی رژیم‌ها قابل انطباق است.

ممکن است کسی سوسیالیسم را این‌جور تعریف کند، بگوید سوسیالیسم یعنی یک رژیم اجتماعی که در آن استثمار انسان وجود نداشته باشد. در این صورت نیز خیلی از رژیم‌ها ممکن است خودشان را رژیم سوسیالیستی بدانند بدون آنکه این رژیم‌های اشتراکی امروز را قبول کرده باشند؛ بگویند که ما می‌توانیم یک نظامی برقرار کنیم که در آن نظام استثمار انسان وجود نداشته باشد. به هر حال اگر ما سوسیالیسم را به این‌گونه هم تعریف کنیم گمان نمی‌رود که کسی منکر باشد؛ یعنی بتواند این را انکار کند. مثل آن تعریف اول. اگر بگوییم سوسیالیسم یعنی رژیمی که در آن رژیم آزادی و احترام به شخصیت انسان رعایت شود، گمان نمی‌رود که کسی در نقطه مقابل بگوید خیر، من قبول ندارم؛ یا اگر بگوییم که سوسیالیسم یعنی

رژیمی که در آن رژیم استثمار وجود نداشته باشد، کسی بگوید نه، قبول ندارم. اگر اشکالی باشد سر این است که یک نوع کار را یک کسی استثمار می‌داند دیگری استثمار نمی‌داند و آلا هیچ کس نیست که قبول داشته باشد یک چیزی استثمار است و در عین حال آن را تأیید کند. مثل این است که کسی ظلم بودن چیزی را با نام ظلم بودن قبول کند و در عین حال بگوید که باید باشد.

تعریف دیگر این است که سوسیالیسم همین‌طور که لغتش حکایت می‌کند و مفهوم جمعی در این لغت خوابیده است- یعنی یک رژیم زندگی که در آن، زندگی به صورت جمعی باشد نه به صورت فردی، زندگی به صورت یک شرکت و به حالت اشتراک باشد. می‌بینیم که غالباً این‌طور تفسیر می‌کنند. الان هم کشورهای عربی سوسیالیسم را با کلمه «اشتراکیت» تفسیر می‌کنند، آن هم بر این پایه که در زندگی سوسیالیسم یا زندگی اشتراکی باید «من»ها تبدیل به «ما» شده باشد. هر جامعه‌ای که در آن «من»ها از بین رفتند و این احساس من بودن از میان برود و «ما» جانشین آن بشود این جامعه جامعه سوسیالیستی و اشتراکی است.

پس این چند چیز رکن سوسیالیسم است: ما رژیمی را رژیم سوسیالیستی می‌دانیم که در آن رژیم استثمار وجود نداشته باشد، که این یک امر عینی و خارجی است. رژیمی را رژیم سوسیالیستی می‌گوییم که در آن واقعاً «من»ها به صورت «ما» درآمده باشند، فعالیت‌ها برای «من» نباشد برای «ما» باشد. رژیمی را رژیم سوسیالیستی می‌دانیم که تولید در آنجا به سود جامعه باشد نه به سود فرد و نه حتی به سود قدرت ملی، که بعضی‌ها این شرط آخری را ذکر نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۱۵، ص ۷۳۸).

مشخصات یک جامعه سوسیالیستی از دیدگاه شهید مطهری به قرار زیر است:

۱. مالکیت فردی ابزار تولید را جایز نمی‌شمارد و این را آلت جرم و وسیله استثمار می‌شمارد و راه جلوگیری از این استثمار را سلب مالکیت فردی از ابزار تولید می‌شمارد؛
۲. تفاوت طبقاتی افراد را از لحاظ ثروت محکوم می‌کند و چون همه چیز از آن همه است و همه باید از اصل «کار به قدر استعداد و خرج به قدر احتیاج» پیروی کنند پول ارزش خود را از دست می‌دهد؛
۳. در جامعه سوسیالیستی قدرت اقتصادی مانند قدرت سیاسی در اختیار اجتماع است نه افراد؛
۴. نفی مالکیت موروثی؛
۵. نفی هر گونه سود کار نکرده؛ (اگر مالکیت فردی به طور کلی از میان برود و اشتراک مطلق باشد و پول ارزش خود را از دست بدهد خواه ناخواه موضوع ارث و موضوع سودهای کارنکرده از میان می‌رود)؛
۶. اختلاف افراد در ثروت مولود ظلم و اجحاف است؛
۷. جایز نشمردن رباخواری؛
۸. نامشروع بودن تراست و کارتل؛
۹. در جامعه سوسیالیستی هدف تولید نفع اجتماع است نه سود افراد؛
۱۰. هم مالکیت طبیعت و هم مالکیت سرمایه تولیدی مردود است؛

۱۱. طبقه کارگر از غلامی طبقه سرمایه‌دار که احتیاج به جای شلاق در بدن او کار می‌کند آزاد می‌شود؛

۱۲. در جامعه سوسیالیستی همه باید کار کنند، کسی مجاز نیست کار نکند؛

۱۳. همه باید برای همه کار کنند نه برای مسابقه فردی و عقب زدن دیگران؛

۱۴. سلطنت کار؛

۱۵. هماهنگی آزادانه کوشش‌ها؛

۱۶. مالکیت اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۴-۵۶۵).

در ادامه مؤلفه‌های پنج‌گانه را در نظام سوسیالیسم بررسی می‌کنیم.

۳-۲-۱- مالکیت

آنچه در خصوص اعتقاد سوسیالیسم به مالکیت، از دیدگاه شهید مطهری آمده بدین صورت است:

۱. مالکیت فردی ابزار تولید را جایز نمی‌شمارد و این را آلت جرم و وسیله استثمار می‌شمارد و راه جلوگیری از این استثمار را سلب مالکیت فردی از ابزار تولید می‌شمارد.

مارکسیسم از اینجا به سلب مالکیت خصوصی سرمایه‌دار می‌رسد، که روی مسئله حق و عدالت و این‌جور مسائل چندان فکر نمی‌کند، روی خاصیت جبری طبیعت تولید و تضاد میان خصلت قوه تولیدی و خصلت مالکیت خصوصی و اینکه این تضاد خود به خود منجر به مالکیت اجتماعی می‌شود، فکر می‌کند، می‌گوید خصلت طبیعت ماشین این است که تولیدش تولید اجتماعی است تولید انفرادی نیست؛ یعنی باید عده زیادی کارگر اینجا جمع بشوند تا اینکه این ماشین کار بکند. در یک کارخانه هزار تا ده هزار نفر کارگر باید کار بکنند. پس تولید ماشینی تولید اجتماعی است نه تولید انفرادی مثل تولیدی که یک کشاورز و دهقان دارد یا یک کارگر صنعت دستی مثلاً با چرخ نخ‌ریسی خودش ایجاد می‌کند که به تنهایی می‌تواند تولید کند. تولید، اجتماعی است ولی رابطه تولیدی یعنی مالکیت، اختصاصی است؛ یعنی این ابزار تولید به یک نفر یا دو نفر تعلق دارد. تولید، اجتماعی است ولی مالکیت ابزار تولید انفرادی و اختصاصی است. طبیعت تولید اجتماعی با مالکیت اختصاصی ابزار تولید ناسازگار از آب در می‌آید (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۱۵، صص ۶۸۵-۶۸۷).

۲. نفی مالکیت موروثی؛

۳. هم مالکیت طبیعت و هم مالکیت سرمایه تولیدی مردود است؛

۴. مالکیت اجتماعی؛

مفهوم مالکیت مشترک یا اشتراکی برای مشخص ساختن سوسیالیسم کافی نیست. تجربه نشان داده است که مالکیت ابزار تولید ممکن است اشتراکی باشد بدون آنکه جامعه سوسیالیستی شود (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۳۸-۵۳۹).

۳-۲-۲- ارث

سوسیالیست‌ها مخالف مالکیت اموری که با کار شخصی تولید شده باشد نیستند ولی اغلب مخالف ارث هستند. سوسیالیست‌ها مدعی‌اند که ارث بزرگ‌ترین مظهر بی‌عدالتی و بزرگ‌ترین عامل وجود سرمایه‌داری است (همان: ۵۱۵-۵۱۶)؛ آنها سه دلیل عرضه کرده‌اند:

۱. قطع رابطه کار و مالکیت خلاف عدالت است.

۲. ارث سبب می‌شود که ورثه، مفت‌خوار و در نتیجه از لحاظ تربیت عاطل و باطل بمانند.

۳. ارث سبب می‌شود که فاصله طبقاتی تدریجاً زیاد بشود.

این سه ایراد، اولی جنبه حقوقی دارد، دومی جنبه تربیتی، سومی جنبه اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۱۹-۵۳۹).

توضیحات آنها در ارتباط با مخالفت‌شان با ارث از این قرار است:

اگر چیزی را که ساخته می‌شود منحصراً محصول کار فردی بدانیم اشتباه کرده‌ایم. زیرا آن چیز در عین حال نتیجه زحمات جامعه نیز محسوب می‌شود. فی‌الحقیقه شخصی که کار می‌کند در میان جامعه به سر می‌برد و از حمایت آن بهره‌مند می‌گردد و نیز از تمام کاری که آدمیان در گذشته و حال انجام داده‌اند و از تمام اکتشافات علوم و اختراعات فنون استفاده می‌نماید. بنابراین چیزی که تولید می‌شود، هم محصول کار فرد است و هم محصول کار جامعه. ممکن است جامعه در حیات فرد تولیدکننده اشیا از حقی که بر آن اشیا دارد صرف نظر نماید ولی بعد از مرگ آن فرد می‌تواند حق خود را مطالبه کند. از نقطه نظر عواطف و احساسات، راست است که پدران از کوششی که برای اصلاح اوضاع و تأمین آتیه فرزندان خود مبذول می‌دارند لذت می‌برند، لکن باید دانست که ارث به جای اینکه سبب اتحاد افراد خانواده بشود بیشتر موجب افتراق و اختلاف ایشان می‌گردد. اصل نفع اجتماعی نیز که طرفداران سرمایه‌داری برای موجه ساختن ارث دلیل می‌آورند مورد قبول سوسیالیست‌ها نیست. اینها می‌گویند اگر آدمیان به ارث گذاردن هم علاقه نداشتند باز بسیاری از آنها در نتیجه عادت، ذوق یا جاه‌طلبی به کار خود ادامه می‌دهند.

سوسیالیست‌ها گذشته از اینکه ادله طرفداران ارث را رد می‌کنند ادله جداگانه‌ای نیز بر بطلان ارث ذکر می‌کنند، از قبیل قطع رابطه کار و مالکیت، فساد اخلاق و عاطل و باطل ماندن ورثه، مقدمه شدن برای اینکه بعد از چند نسل ثروت‌ها در نقطه‌های خاصی متمرکز شود و بی‌عدالتی (عدم مساوات و اختلاف طبقاتی) به وجود بیاید (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۱۸-۵۱۷).

۳-۲-۳- اختلاف در ثروت و درآمد

ایشان در این زمینه می‌گویند: «سوسیالیسم تفاوت طبقاتی افراد را از لحاظ ثروت محکوم می‌کند. اختلاف افراد در ثروت مولود ظلم و اجحاف است» (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۴-۵۶۵).

۳-۲-۴- ربا

به نظر ایشان، سوسیالیست‌ها رباخواری را جایز نمی‌دانند و از ویژگی‌های مهم این نظام «جایز نشمردن رباخواری» است.

۳-۲-۵- تشکیل کارتل و تراست

چنان‌که پیش‌تر گفتیم، یکی از ویژگی‌های نظام اقتصادی سوسیالیسم، «نامشروع بودن تراست و کارتل» است. سوسیالیسم برعکس سرمایه‌داری با تشکیل کارتل و تراست برای کسب سود بیشتر مخالف است (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۴-۵۶۵).

۳-۳- نظام اقتصادی اسلام

از دید شهید مطهری آنچه در ابتدا برای شناخت نظام اقتصادی اسلام لازم است، نگاه آن به ثروت است. ایشان بر آن است که:

ما آنگاه که می‌خواهیم نظری به نظام اقتصادی اسلام بیفکنیم اول باید ببینیم نظر اسلام درباره ثروت و مال چیست؟ ممکن است کسی بپندارد که اسلام اساساً ثروت را مطرود و به عنوان یک امر پلید و دورانداختنی می‌شناسد، چیزی که پلید و مطرود و دورانداختنی است دیگر مقرراتی نمی‌تواند داشته باشد؛ به عبارت دیگر، مکتبی که نظرش درباره یک شیء معین این است که آن چیز دورافکنندگی است آن مکتب نمی‌تواند مقرراتی درباره آن چیز داشته باشد، همه مقرراتش این خواهد بود که آن چیز را به وجود نیاورید، دست به آن نزنید، دست به آن نکنید، مصرف نکنید؛ همچنان که درباره مشروب چنین مقرراتی آمده است. در اسلام مال و ثروت هیچ وقت تحقیر نشده است، نه تولیدش، نه مبادله‌اش، نه مصرف کردنش؛ بلکه همه اینها تأکید و توصیه شده است و برای آنها شرایط و موازین مقرر شده است و هرگز ثروت از نظر اسلام دورافکنندگی نیست، بلکه دور افکنندش (اسراف، تبذیر، تضييع مال) حرام قطعی است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۰۲).

بنابراین، اسلام همان‌طور که به مسائل اخروی اهمیت می‌دهد برای مسائل اقتصادی نیز با رعایت اصل اخلاق اهمیت قائل است:

اسلام با هدف قرار دادن ثروت، با این که انسان فدای ثروت شود مخالف است و سخت مبارزه کرده است؛ به عبارت دیگر، پول‌پرستی را و اینکه انسان برده پول باشد [محکوم کرده است]؛ به عبارت دیگر، اینکه انسان پول را به خاطر خود پول و برای ذخیره کردن و اندوختن بخواهد که نام این حالت حرص و آز است، و یا پول را فقط برای پر کردن شکم و برای عیاشی و بیکاری و ول‌گردی بخواهد که نام آن شهوترانی است. در این حالت پول خواستن توأم است با دناوت و پستی و محو شخصیت انسانی در پول و فقدان هر گونه شخصیت انسانی و شرافت معنوی (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۰۴).

در نظام اقتصادی اسلام، اخلاق و اقتصاد با هم پیوند مستحکمی دارند و اخلاق فدای اقتصاد نمی‌شود، بلکه در این نظام، اقتصاد با رویکرد اخلاقی حاکم است:

معمولاً اقتصاديون تمايلات و خواسته‌های بشر را، ولو خواسته‌های مصنوعی و انحرافی، سرچشمه درآمد می‌دانند، ولی اسلام مسئله تقاضا را به هر نحو باشد سرچشمه درآمد مشروع نمی‌داند، خود تقاضاها را مشروع نمی‌داند و کنترل می‌کند؛ و به علاوه پاسخ گفتن به این تقاضاها را غیرمشروع می‌داند. ولی مادیون اقتصادی حتی تقاضای نامشروع مثل اعتیاد به مواد مخدر ایجاد می‌کنند تا راه درآمد خود را باز کنند. اینجاست که زبان انفکاک اقتصاد از اخلاق و معنویت روشن می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۵۵).

در ادامه دیدگاه اقتصادی اسلام را درباره مؤلفه‌های پنج‌گانه مذکور، از دیدگاه شهید مطهری بیان می‌کنیم.

۳-۳-۱- مالکیت

استاد مطهری معتقد است نظام اقتصادی اسلام با احترام به فرد و همچنین اصیل شمردن اجتماع و امت، ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی در کنار آن، مالکیت دولتی و عمومی را نیز تشریح می‌کند. ایشان با غریزی دانستن اصل مالکیت معتقد است بعضی حیوانات نیز چنین اولویتی را برای خود قائل‌اند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۵۲). ایشان در خصوص انواع مالکیت می‌گوید:

مالکیت ممکن است فردی باشد و ممکن است جمعی و اشتراکی باشد؛ یعنی می‌توان فرض کرد که فقط یک نفر مالک

ثروت باشد و فقط او حق داشته باشد از آن استفاده ببرد، و هم ممکن است عده‌ای یا همه افراد بالاشتراک مالک ثروتی باشند و بالاشتراک از آن بهره ببرند. اسلام نه با قبول مالکیت عمومی در مثل انفال، مالکیت فردی را به طور مطلق طرد کرده و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است. در آن جا که پای کار افراد و اشخاص است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آنجا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت را جمعی می‌داند (مطهری، ۱۳۶۸، صص ۵۹-۵۲). البته وی مالکیت فردی را نیز محدود می‌داند و می‌گوید:

کسی نباید گمان کند که اگر مالک خصوصی مالی شد، اختیار مطلق دارد می‌تواند آن را حبس کند؛ زیرا مطابق آنچه گفتیم، خداوند، انسان را فاعل، و منابع اولیه را قابل آفریده است، و این قوه فاعلی خواسته که از آن ماده قابل استنتاج کند. خود زکات بر طلا و نقره عنوان جریمه دارد؛ لهذا علی علیه‌السلام فرمود: «انکم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۵).

۳-۲-۳- ارث

مقدمتاً باید بگوییم مثل این است که ارث در میان غربی‌ها تابع وصیت و داخل در باب وصیت است، در صورتی که می‌دانیم ارث در اسلام غیر از وصیت است. وصیت حق مالک است و ارث حکم فرضی الهی خارج از اختیار مورث. در غرب یک شخص می‌تواند تمام دارایی خود را به شخص دلخواه خود حتی به سگ خود یا گربه عزیز خود به عنوان ارث منتقل کند، اما در اسلام این چنین آزادی وجود ندارد و ثروت خواه ناخواه به نسبت‌های معین میان فرزندان و پدر و مادر و همسر تقسیم و تجزیه می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۱۸).

بنابراین، شهید مطهری مقوله ارث را در نظام اقتصادی اسلام تأیید می‌کند و استدلال خود را در حمایت از آن ابراز می‌دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

مطهری استدلال اول سرمایه‌داری در دفاع از ارث، را که «حق ارث گذاردن نتیجه منطقی حق مالکیت است» رد کرده و می‌گوید:

سخن طرفداران ارث مبنی بر اینکه نتیجه منطقی مالکیت حق ارث گذاشتن است، درست نیست. در عین اینکه ارث را به شکل خاص اسلامی قبول داریم. ما می‌گوییم نتیجه مالکیت اختیار تام مالک نیست. ارث نیز از نظر اسلام لازمه مالکیت و اختیار تام مالک نیست بلکه جهت دیگر دارد. به نظر ما، علت اینکه مالک اختیار مطلق ندارد که در غیر مصالح خود یا اجتماع مال را مصرف کند، مثل اینکه معدوم کند یا استفاده نامشروع ببرد، این است که ماده ثروت را طبیعت برای همه آفریده است و کار فقط او را مفید و دارای ارزش کرده است. مالکیت فرد نسبت به ثروت به مقداری است که روی آن کار صورت داده است؛ و اما معدوم کردن یا استفاده نامشروع کردن تضييع ماده است بدون مجوز. از این بیان نتیجه می‌شود که انسان حق تضييع ندارد اما حق بخشش و هبه و وقف و صلح و ابراء و همچنین حق مجاناً خدمت کردن، مادامی که به اجتماع صدمه نزند، از او سلب نمی‌شود؛ حق وصیت و توريث- اگر بتوان آن را حق مورث دانست - از او سلب نمی‌شود. ارث اسلامی به کیفیتی که دارد که خارج از اختیار مورث است بر پایه حق مالکیت نیست (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۲۴-۵۱۹).

استاد استدلال دوم سرمایه‌داری در دفاع از ارث را، که بر «تقویت رابطه خانوادگی» مبتنی است، تأیید کرده، استدلال سوسیالیست‌ها در مخالفت با آن را رد می‌کند و می‌گوید:

حداکثر درباره این دلیل این‌طور می‌توان گفت که توارث که بر اصل «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» است

رابطه فامیلی و مخصوصاً خانوادگی را محکم‌تر می‌کند. خیلی فرق است میان اینکه پدری بمیرد و زن و فرزندان از جای خود تکان نخورند و فعالیت پدر را برای خود بدانند، و بین اینکه بعد از مردن پدر مجبور باشند نسبت به مایملک پدر بیگانه باشند. اگر نسل‌های بعد، از آثار فعالیت نسل‌های قبل خود بهره ببرند بدون شک در نظر یکدیگر بسیار معززتر و محترم‌تر می‌شوند. فعالیت پدر برای آینده فرزندان، با توجه فرزندان به این جهت و عواطفی که از این جهت میان آنها متبادل می‌شود، ارتباط را قوی‌تر می‌کند و استحکام روابط خانوادگی مطلوب است. بیان دیگر اینکه توارث نوعی لذت و احساس آسایش و نوعی زندگی در پرتو عواطف است، هم از نظر مورث و هم از نظر ورث؛ و اخلاقاً صحیح نیست که این سعادت را از بشر سلب کنیم. جواب سوسیالیست‌ها به اینکه ارث سبب تفرق می‌شود نه اتحاد، بسیار ضعیف است (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۲۴-۵۱۹).

مطهری دلیل سوم حمایت سرمایه‌داری از ارث را، که بر اساس آن ارث مشوق اجتماعی است، و سوسیالیست‌ها نیز آن را تأیید کرده‌اند، تأیید می‌کند و می‌گوید:

این دلیل، دلیلی است قوی. خود سوسیالیست‌ها نیز آنجا که می‌گویند: «بسیاری از مردم در اثر عادت...» اعتراف ضمنی می‌کنند که توریث مشوق اجتماعی مهمی است. جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که قانون ارث سبب می‌شود انسان به خاطر فرزندان خود تا لحظه آخر از کار و کوشش خودداری نکند و قوا و استعداد‌های خود را به کار اندازد. افرادی را سراغ داریم که تا حدود پنجاه سالگی بچه نداشته‌اند و از آن پس صاحب فرزند شده‌اند و می‌گویند از وقتی که صاحب فرزند شده‌ایم به زندگی از نظر تأمین آتیه این فرزند به شکل جدی‌تری نگاه می‌کنیم (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۲۴-۵۱۹).

۳-۳-۳- اختلاف در ثروت و درآمد

نظام اقتصادی اسلام در خصوص اختلاف ثروت و درآمد افراد جامعه نیز سخن برای گفتن دارد. در خصوص اینکه آیا اسلام مانند سوسیالیسم به طور کلی این اختلاف را رد می‌کند یا همچون سرمایه‌داری آن را بدیهی و بدون اشکال می‌داند، استاد می‌گوید:

اگر مقصود این است که صرف اختلاف طبقات به هر نحو که باشد صحیح نیست، قبول نداریم. زیرا آنچه باطل است اختلاف و تبعیض در قانون است (خواه در وضع قانون یا اجرای آن) و اما اختلاف‌هایی که بر اساس تفاوت استعداد‌های طبیعی و اختلاف فعالیت‌ها پیدا می‌شود صحیح است و عین عدل است و نیز قوام اجتماع به آن است (مطهری، ۱۳۸۵، یادداشت‌ها، ج ۴، صص ۲۹۹-۲۹۸).

ایشان در این زمینه مثال متناسبی ذکر می‌کنند و می‌گویند:

زندگی مسابقه در بقاست و در یک چیز نباید تفاوت باشد و در یک چیز دیگر باید آزادی و تفاوت قهری باشد، نظیر حرکت در خیابان‌هاست. حرکت در خیابان مقررات و حدود و خط‌کشی‌ها و چراغ قرمز و سبز دارد. تبعیضی که نباید باشد این است که یکی ممنوع باشد و یکی نباشد، برای یکی چراغ قرمز باشد و برای یکی سبز. ولی آن چیزی که باید آزاد باشد و اختلاف باید باشد و این اختلاف لازم و حتمی است این است که در حدود همان خیابان‌ها و حدود و خط‌کشی بدون اینکه تجاوزی بشود، هر کس که ماشینش بهتر است یا عاقل‌تر است یا بیشتر سعی دارد که زودتر به مقصد برسد (مطهری، ۱۳۸۱، یادداشت‌ها، ج ۶، صص ۲۵۳-۲۵۲).

و در ادامه می‌افزاید:

مساوات این است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم شود، میدان برای همه به طور مساوی باز باشد، زمینه برای همه متساویاً فراهم باشد، تا اگر کسی همت داشته باشد در هر کجا که هست و در هر طبقه‌ای که هست بتواند در پرتو لیاقت و

استعداد و بروز فعالیت به کمال لایق خود برسد. حالا هر کس کوتاهی کرد خودش کرده، هر کس کوتاهی نکرد نتیجه‌اش را می‌برد. مثلاً امکان تحصیل علم باید برای همه فراهم باشد، همه بتوانند به مدرسه بروند، امکانات تحصیلات عالی برای همه فراهم باشد، نه اینکه برای یکی امکان درس خواندن باشد و برای دیگری نباشد، برای یکی وسایل تحصیلات عالی فراهم باشد برای دیگری نباشد؛ آن‌طور امکانات به طور مساوی برای همه فراهم باشد که مثلاً برای فرزند فلان دهقان که در فلان گوشه کشور است و استعداد علمی و اجتماعی نهفته‌ای در وجودش هست، وسایل فراهم باشد که تدریجاً بتواند پله‌پله و درجه به درجه مقامات را طی کند تا برسد مثلاً به مقام تخصص در یک رشته علمی و اگر استعداد اجتماعی‌اش خوب است برسد به مقام وزارت مثلاً. تبعیض و تفاوت ناروا این است که از لحاظ امکانات و شرایط عمل، همه افراد مساوی نباشند؛ برای یکی امکان بالا رفتن بر نردبان ترقی باشد برای دیگری نباشد، یکی محکوم باشد به پایین ماندن و دیگری با همه عدم لیاقت دستش را بگیرند و بر صدر مجلس اجتماع بنشانند (مطهری، ۱۳۸۷، یادداشت‌ها، ج ۲۵، صص ۲۵۴-۲۵۵).

۳-۳-۴- ربا

نظام اقتصادی اسلام با ربا به شدت مخالفت می‌ورزد و مسلمانان را از آن نهی می‌کند. مطهری ضمن بیان ناپذیرفتنی بودن ربا در اسلام، انواع آن را بیان می‌کند:

ربای قرضی این است که کسی جنسی یا پولی را به قرض بدهد بعد منفعتی بیش از آنچه که به قرض داده بگیرد. منفعت لازم نیست از جنس همان چیزی باشد که به قرض داده شده؛ هرچه که منفعت تلقی بشود. و در اصطلاح می‌گویند: «کلُّ ما یَجْرُ نَفْعاً» هرچه که نفعی را در بر داشته باشد. حتی این‌طور مثال می‌زنند که اگر کسی به یک نفر مثلاً هزار تومان قرض بدهد و ضمناً شرط کند که تو مرا کول بگیری از این سوی آب به آن سوی آب ببری، این کول گرفتن، خود یک منفعت است. اصل ربا در باب قرض است و ربایی که بیشتر حرف‌ها درباره آن است همین ربای قرضی است. نوع دیگر ربای معاملی است که در آن پای قرض در میان نیست، بلکه پای معاوضه در کار است. به ربای معاملی می‌گویند ربای جنس به جنس که چیزی را به جنس خودش معاوضه کنند، مثلاً گندم به گندم. و قهراً بعد مسئله صغروی هم به اصطلاح مطرح می‌شود که آیا مثلاً گندم و جو در باب ربا یک جنس‌اند یا دو جنس؟ یا مثلاً گندم دو منطقه مختلف را که جنس آنها با یکدیگر متفاوت است دو جنس باید فرض کنیم یا یک جنس؟ و اتفاقاً در اینجا فقها مسائلی را طرح کرده‌اند که قبول کردنش خیلی مشکل است. مثلاً می‌گویند هر چیزی که از یک اصل باشد یک جنس تلقی می‌شود که بعد مسئله خیلی بلبشو می‌شود. مسئله ربای قرضی را بعد طرح می‌کنیم. به هر حال، در ربای معاملی، یعنی معاوضه دو شیء هم‌جنس، زیاده نباید دریافت شود، مثلاً در معاوضه گندم با گندم باید هم‌وزن یکدیگر بیع و شراء بشود. پای قرض هم در کار نیست. آن‌وقت مسئله تعویض پول و ارزها با یکدیگر قهراً به اینجا مربوط می‌شود. به علاوه، امروز مسئله جدیدی مطرح است که در قدیم نبوده. در قدیم تعویض پول‌های طلا و نقره بوده. سکه‌های یک منطقه را با سکه‌های منطقه دیگر عوض می‌کردند، حالا یا از باب اینکه جنس سکه‌ها مختلف بود و یا از باب اینکه عیارها مختلف بود. ولی امروز گذشته از این جهت، مسئله این است که پول امروز از نوع طلا و نقره نیست، اسکناس و غیره است (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۲۷۱-۲۷۰).

۳-۳-۵- تشکیل کارتل و تراست

شهید مطهری در این خصوص بر آن است که: «از نظر اسلام هیچ مجوزی نیست که شخص خاصی فروش کالا یا تولید کالای معینی را در انحصار خود قرار دهد». همچنین در خصوص تشکیل کارتل در نظام اقتصادی اسلام می‌گوید: «صرف

تشریک مساعی افراد یا شرکت‌ها و مؤسساتی ممنوع نیست ولی اگر هدف ایجاد بازار سیاه است ممنوع است» (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۷۰-۵۶۷).

و در جای دیگری می‌گویند: «از نظر اسلام تشکیل تراست قطعاً ممنوع است و تشکیل کارتل چون به منظور تضییق مضاربه و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است ممنوع است» (مطهری، ۱۳۷۶، آثار، ج ۲۰، صص ۵۶۳-۵۶۲).

۴-۳- مقایسه سه نظام اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام

شهید مطهری در نوشته‌ها و سخنان خود در مقایسه سه نظام اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام آورده‌اند:

اکنون ببینیم در میان مشخصات گذشته دو رژیم مزبور کدام یک با اسلام منطبق است و کدام یک نیست.

الف. مالکیت فردی نسبت به چیزی که خود مالک تولید کرده است، این اندازه، هم مورد موافقت سرمایه‌داران است و هم مورد موافقت سوسیالیست‌ها و با موازین اسلامی نیز منطبق است؛ چیزی که هست سوسیالیست‌ها می‌گویند با توسعه وسایل تولید سرمایه‌داری ادامه کار مؤسسات تولیدی خصوصی عملاً غیرممکن است.

ممکن است سوسیالیست‌ها که طرفدار کار به قدر طاقت و خرج به قدر احتیاج می‌باشند، بگویند مگر نه این است که خود شما می‌گویید اجتماع باید بر مبنای تعاون بقا باشد نه تنازع؟ اسلام نیز مساعی خود را صرف این می‌کند که اجتماع بر پایه تعاون بچرخد نه تنازع، و با موجبات تنازع بقا می‌جنگد. مالکیت فردی از آن جهت منشأ همه مظالم است که مبدأ تنازع بقا می‌شود، و تنازع بقا محکوم است.

به عبارت دیگر، تنازع بقا لازمه زندگی حیوانی است که قوی ضعیف را می‌خورد و خود باقی می‌ماند اما انسان که می‌گوید بالطبع اجتماعی و تعاونی است و لااقل برای بقای خود ناچار است به تعاون، پس باید ریشه تنازع بقا را که مالکیت فردی است از بین برد.

جنگ‌ها و کشمکش‌ها و خونریزی‌ها و شکم سفره کردن‌ها و در نتیجه احتیاج به محاکم و دادگستری، همه از تنازع بقا سرچشمه می‌گیرد و تنازع بقا از مالکیت فردی. پس ریشه تنازع را که مالکیت است باید از میان برداشت تا بشر راحت و آسوده بشود و زندگی اجتماعی را به معنای واقعی داشته باشد.

جواب این است: تنازع بقا به معنای کوشش در عقب زدن یکدیگر و تخریب و تجاوز به حقوق یکدیگر و اینکه مساعی افراد علیه یکدیگر به کار رود، محکوم است اما مسابقه بقا، یعنی کوشش هر فرد برای پیشرفت خود نه برای عقب راندن دیگری، با تعاون منافات ندارد. اجتماع نباید میدان تنازع بقا باشد، اما باید میدان مسابقه بقا باشد. در مسابقات علمی و ورزشی اخلاص در عمل دیگران درست نیست، اما کوشش برای تقویت خود ممدوح است.

به عبارت دیگر، لازمه مالکیت فردی اگر بر اساس عدالت یعنی وجوب انجام کار برای همه یکسان و ایجاد شرایط مساعد زندگی برای همه یکسان و رفع موانع برای همه یکسان باشد و هم مجازات و دادگستری برای همه یکسان باشد، به عبارت دیگر، تکالیف و حقوق و مجازات‌ها برای همه در قانون و در عمل یکسان باشد تنازع بقا نیست، تسابق بقاست. هر کسی کوشش می‌کند در راه خود پیش‌تر برود نه اینکه راه را بر دیگری ببندد کما اینکه نفی مالکیت فردی نیز زمینه تنازع بقا را از میان نمی‌برد، زیرا منافع بشر محدود به مالکیت امور اقتصادی نیست (مطهری، ۱۳۸۷، یادداشت‌ها، ج ۲۵، صص ۲۵۴-۲۵۳).

ب. ارث؛ در ارث سرمایه‌داری اختیار مطلق با مورث است. در اسلام فقط نسبت به ثلث، مالک اختیار مطلق دارد و باقی طبق مافروض باید تقسیم شود؛ اما سوسیالیست‌ها ارث به اولاد را فقط می‌پذیرند لیس آلا.

ج. طبیعی بودن - نه ظالمانه بودن - اختلاف افراد در ثروت و مالکیت. از نظر سرمایه‌داری می‌تواند این اختلاف خیلی فاحش باشد؛ از نظر اسلام اختلاف فاحش که منتهی به فقر طبقه دیگر - نه به واسطه بیماری بلکه به واسطه بیکاری یا قلت مزد - بشود ممکن نیست جز از طریق ظلم و استثمار.

د. مالکیت ثروت به وسیله استخدام نیروی طبقه کارگر در یک مؤسسه تولیدی.

سوسیالیست‌ها مدعی هستند که سودی که سرمایه‌دار از این راه می‌برد همان ارزش اضافی نیروی طبقه کارگر است؛ علی‌هذا مطلقاً - نه تنها در رژیم مخصوص سرمایه‌داری قرن ۱۹ و ۲۰ - منتهی به استثمار می‌شود. به طور مسلم اسلام اصل استخدام، مزد دادن در کارهای غیرتولیدی وسیله سرمایه‌داری، نظیر مزد خیاط و عمله بتابی و مستخدم خانه و بالأخره عمل استیجار رقابت را در این‌گونه کارها تجویز می‌کند و لازمه معتبر شناختن مالکیت فردی، ولو در غیر وسایل تولید، ضرورت این عمل است. و اما استخدام کارگر برای تولید و فروش محصول کار او؟

معلوم نیست که در صدر اسلام تا زمان‌های نزدیک به زمان ما این‌چنین عملی بوده است یا نبوده است. مثلاً استخدام شبان برای گوسفند بوده است ولی استخدام بافنده برای کارگاه بوده است یا نبوده است؟ مثلاً استخدام عمله برای ساختن خانه برای سکونت بوده است ولی آیا استخدام عمله برای ساختن خانه‌هایی برای فروش بوده است یا نبوده است؟ و به هر حال اگر به دلیل قاطع ثابت شود که سودی که از این راه عاید مالک می‌شود ارزش اضافی نیروی کارگر است و ظلم و استثمار است آیا با اصول اسلام قابل انطباق هست یا نیست؟ به علاوه قطع نظر از ارزش اضافی مستلزم تسلط اقتصادی و حتی سیاسی افرادی بر اجتماع است و آیا اسلام این‌گونه تسلط‌ها را می‌پذیرد یا نه؟

و اما مالکیت ثروت به وسیله ابزار تولید بدون استخدام طبقه کارگر مسلماً جایز است.

ه. ربا؛ نظر اسلام در اینجا مشخص است.

و. تشکیل تراست؛ از نظر اسلام هیچ مجوزی نیست که شخص خاصی فروش کالا یا تولید کالای معینی را در انحصار خود قرار دهد.

ز. تشکیل کارتل؛ صرف تشریک مساعی افراد یا شرکت‌ها و مؤسساتی ممنوع نیست ولی اگر هدف ایجاد بازار سیاه است ممنوع است.. از نظر اسلام تشکیل «تراست» قطعاً ممنوع است و تشکیل «کارتل» چون به منظور تضییق مضاربه و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است ممنوع است.

ح. افراد در تولید آزادند یا نه؟ به عبارت دیگر، هدف تولید باید چه باشد؟ هرچه سود دارد؟ یا هرچه مفید است؟ در رژیم سرمایه‌داری آزادی مطلق است. در رژیم سوسیالیستی چون تولید و تقسیم به دست اجتماع است قهراً دایره مدار احتیاج اجتماع است. در اسلام با حفظ مالکیت فردی جلوی آزادی تولید را در غیر امور مورد احتیاج اجتماع گرفته‌اند. مکاسب محرّمه عبارت است از کسب به کار غیرمفید یا مضر.

آیا اسلام تسلط اقتصادی و دیکتاتوری افراد معین را و رهبری اقتصادی افراد معین را در اجتماع به بهانه مالکیت فردی می‌پذیرد؟ یا این جهت چون مربوط به مصالح عالی اجتماع است، به علاوه سلب آزادی عموم است آن را نمی‌پذیرد؟

اصول و موازین کلی اسلامی با تسلط و دیکتاتوری اقتصادی توافق ندارد.

ی. رابطه کار و ثروت؛ آیا همیشه ثروت باید ناشی از کار باشد؟ یا باید ناشی از کار دیگری بدون میل و رضای او نباشد. سوسیالیست‌ها چون طرفدار این اصل‌اند که ثروت الزاماً باید ناشی از کار باشد ارث را منع می‌کنند، قهرأ هبه و بخشش را هم باید از طرف بخشش‌کننده و گیرنده ظالمانه بدانند. سود بازیافته اگر وجود پیدا کند از نظر اسلام منعی ندارد، نظیر قرعه‌کشی و جایزه نه لاتار.

یا. در اختیار گرفتن نرخ کارگر به وسیله ایجاد محیط اضطراری. لازمه رژیم سرمایه‌داری این است؛ آیا اسلام ایجاد این‌گونه اضطرارها را جایز می‌شمارد یا نه؟

یب. سوسیالیست‌ها مدعی هستند که هر چند مالکیت فردی را مطلقاً نفی نمی‌کنند ولی با تکامل ابزار تولید مالکیت فردی مستلزم استثمار است، پس در صورت تکامل وسایل تولید خواه ناخواه باید اجتماع سوسیالیستی برقرار گردد، بلکه خواه ناخواه برقرار می‌شود. علی‌هذا الزاماً در پرتو تکامل وسایل تولید چون مالکیت فردی ممکن نیست همه باید از قانون «کار به قدر طاقت و خرج به قدر احتیاج» استفاده کنند.

به عقیده ما فرضاً تکامل وسایل تولید مستلزم ملی شدن و عمومی شدن آنها باشد مستلزم نفی و عدم امکان مالکیت فردی نیست و اصل «کار به قدر طاقت و خرج به قدر احتیاج» خود نوعی ظلم و استثمار است.

یج. آیا همه لازم است کار کنند، آن‌طور که سوسیالیست‌ها می‌گویند، یا کار وظیفه فقرا و در زمینه احتیاج است، آن‌طور که سرمایه‌دارها می‌گویند، و یا کار به هر حال واجب و لازم است چنان‌که از منطق اسلام برمی‌آید؟

۴- نتیجه گیری

در این مقاله کوشیدیم بر اساس بیانات و نوشته‌های استاد مطهری به بررسی مقایسه‌ای نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام بپردازیم. بنابراین، ابتدا ویژگی‌های هر نظام اقتصادی بیان شد و سپس مؤلفه‌های پنج‌گانه مورد نظر در هر یک از نظام‌ها بررسی شد. خلاصه و نتیجه آنچه گفته شد به شرح زیر است:

جدول ۱. مقایسه مؤلفه‌های پنج‌گانه در نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام

مؤلفه / نظام اقتصادی	سرمایه‌داری	سوسیالیسم	اسلام
مالکیت	پذیرش مالکیت فردی	رد مطلق مالکیت فردی	پذیرش مالکیت فردی با رعایت قوانین اسلامی
ارث	پذیرش ارث	رد مطلق ارث	پذیرش ارث با رعایت قوانین اسلامی
اختلاف ثروت و مالکیت	امکان وجود اختلاف فاحش	مخالفت با تفاوت طبقاتی و اعتقاد به ظالمانه بودن اختلاف در ثروت	پذیرش وجود اختلاف نه به هر نحو ممکن، بلکه بر اساس تفاوت استعدادها طبیعی و اختلاف فعالیت‌ها
ربا	جایز شمردن رباخواری	عدم پذیرش رباخواری	مخالفت شدید با رباخواری
تشکیل کارتل و تراست	مشروع بودن تشکیل تراست و کارتل	نامشروع بودن تراست و کارتل	ممنوعیت قطعی تشکیل تراست، و جایز نبودن کارتل به دلیل تضییق مضاربه و بازار سیاه

چنان‌که می‌بینیم، مؤلفه‌های پنج‌گانه، در سه نظام اقتصادی مذکور، جایگاه متفاوتی دارند. سرمایه‌داری کسب حداکثر سود

به هر قیمت و روش را عاقلانه می‌داند و در این مسیر هر روشی از قبیل رباخواری و تشکیل کارتل و تراست و نابرابری در توزیع ثروت را جایز می‌شمارد. سوسیالیسم که همواره با سرمایه‌داری مخالف بوده و مزده فروپاشی آن را می‌داده است، در مقابل، با عقاید سرمایه‌داری مطلقاً مخالفت می‌ورزد و همان‌طور که در جدول نیز پیداست مؤلفه‌های پنج‌گانه مورد قبول سرمایه‌داری را رد می‌کند. اما اسلام با روش‌شناسی اعتدالی و منطقی خود، از طرفی نقاط قوت هر یک از نظام‌های اقتصادی را حفظ کرده و از سوی دیگر نقاط ضعف آنها را حذف می‌کند، یا با رعایت قوانین و اخلاق اسلامی آن را جایز می‌شمارد. بنابراین، باید گفت نظام اقتصادی اسلام، در مقایسه با نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم، منطقی و کاربردی‌تر به نظر می‌رسد.

۵- فهرست منابع

- پیغامی، عادل. (۱۳۸۷). تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره اول، صص ۲۰۰-۱۷۳.
- جاودان، محمدصادق؛ احمدی، محمدمین؛ صادقی شاهدانی، مهدی. (۱۴۰۱). تبیین و تحلیل فرهنگ منفعت‌طلبی فردی از دیدگاه اسلامی به عنوان راه حلی برای مقابله با شکست دولت در اقتصاد (مطالعه موردی شهیدان صدر و مطهری)، پژوهشنامه فرهنگ و رسانه، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، صص ۲۱۰-۱۸۹.
- جلیلی مرند، علیرضا؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ فلاحی، فیروز. (۱۳۹۷). عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری و شهید صدر با تأکید بر چیستی عدالت، جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره ۲۹، صص ۱۹۹-۱۷۳.
- خادم‌علیزاده، امیر؛ بهشتی، مهدی. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی استفاده از روش آزمایشگاهی در اقتصاد اسلامی (با تأکید بر مبانی معرفت‌شناختی استاد مطهری)، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال ۲۰، شماره ۷۷، صص ۳۰۰-۲۷۳.
- دارائی، محمد. (۱۳۹۸). نقش زمان و مکان در استنباط احکام اسلامی از دیدگاه شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص ۲۵-۲.
- فسائی، جعفر؛ درّی، نجمه. (۱۴۰۳). بررسی جایگاه و عملکرد شعر و اندیشه مولانا در آثار شهید مرتضی مطهری، متن پژوهی ادبی، دوره ۲۸، شماره ۹۹، صص ۳۴۸-۳۱۹.
- قلیچ، وهاب. (۱۳۸۹). معیارهای عدالت توزیعی مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های جان راولز و شهید مطهری، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ۳، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۴۵.
- کاشیان، عبدالمحمد؛ احمدزاده، ایمان. (۱۳۹۸). نظریه زیربنا-روبننا: خاستگاه، اهمیت، و بررسی ریشه خلأ در میان پیشگامان اقتصاد اسلامی با تأکید بر آراء شهید صدر و شهید مطهری، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۵، شماره اول، صص ۱۱۵-۸۷.
- کرم‌اللهی، نعمت‌الله؛ مطهری فر، مهدی. (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای-انتقادی بنیان‌های اخلاق اقتصادی اسلام از دیدگاه ماکس وبر و شهید مطهری، فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال ۱۵، شماره ۲۹، صص ۲۴۷-۲۲۳.
- کلاته‌ساداتی، احمد. (۱۳۹۳). نسبت بین علم و مکتب در اقتصاد اسلامی؛ مقایسه تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و شهید صدر به انضمام الگوی پیشنهادی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۸، شماره اول، صص ۷۶-۵۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام، قم: انتشارات صدرا، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، جلد بیستم، چاپ هفتم.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، جلد پانزدهم، چاپ هفتم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). یادداشت‌ها، قم: انتشارات صدرا، جلد ششم، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). یادداشت‌ها، قم: انتشارات صدرا، جلد چهارم، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). یادداشت‌ها، قم: انتشارات صدرا، جلد بیست و پنجم، چاپ دوم.
- مومنی، فرشاد؛ علیزاده، امیرخادم؛ پاداش، حمید؛ سلیمانزاده، رامینه. (۱۳۹۷). رهیافت نشانه شناختی به توسعه در اقتصاد اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های شهید مطهری و شهید صدر، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال ۱۹، شماره ۷۶، صص ۳۳-۵.
- نمازی، حسین؛ لشکری، علیرضا. (۱۳۹۱). توازن و رویکردهای عدالت؛ کنکاشی در رویکرد شهید صدر و شهید مطهری به توازن، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۲۲-۹۷.
- Jafarinejad, M. A. (2023). “Reconciling Religion and Modernity in the Views of Motahhari and Fazlur Rahman”, *Islamic Inquiries*, Vol. 2, No.1, PP. 41-58.
- Mirzamohamadi, M. H., Ghasemabadi Karami Ranjbar, Z., & Tajdary. M. H. (2022). “The Moral Education of Youth from the Perspective of Shahid Motahhari”, *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, Vol. 9, No.3, PP. 696-704.
- Shamsaie, M. (2012). “Two Iranian Intellectuals: Ayatollah Morteza Motahhari and Dr. Abdol-Karim Soroush and Islamic Democracy Debate”, *Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 1, No. 2, PP. 29-34